

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اکبر نوروزی  
۰۷ جون ۲۰۲۰

## افغان ستیزی ددمنشانه رژیم جمهوری اسلامی

بر بستر بحران های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی و فقر و فلاکت و محرومیت ناشی از آن که زندگی توده های مردم را به نابودی کشانده است، با شیوع ویروس مرگبار کرونا، بر نابسامانی ها و معضلات گریبان گیر ستمدیدگان جامعه افزوده شده و امروز زندگی توده های مردم به مراتب وخیم تر از گذشته گشته است. اپیدمی کرونا که در اواخر سال ۹۸ در ایران شروع و به سرعت در بستر سیاست های ضد مردمی جمهوری اسلامی در سطح جامعه گسترش یافت، باعث ابتلای بسیاری به این بیماری شد که در نتیجه آن تعداد زیادی جان خود را از دست دادند. در عین حال، این اهریمن مرگ باعث بیکار شدن میلیون ها کارگر گشته که در نتیجه آن قشرهای بسیار زیادی از جامعه دچار فقر و فلاکتی مرگبار گردیده اند. واضح است که در این اوضاع، بیشترین آسیب به طبقات تهیدست جامعه وارد می شود. اما در این میان، اپیدمی کرونا به کارگرانی از افغانستان که سال هاست در ایران دوش به دوش کارگران ایرانی کار می کنند صدمات هر چه بیشتری وارد نموده است.

در این نوشته سعی می شود هر چند کوتاه، سیاست های نژادپرستانه رژیم جمهوری اسلامی در ارتباط با مهاجران افغان مبتلا به ویروس کرونا مورد برخورد قرار گیرد.

امروز با شیوع ویروس کرونا در ایران، جان بیش از ۳ میلیون مهاجر افغان در معرض خطر می باشد و تا کنون بر اساس آمارهای منتشر شده حداقل ۵۰ نفر از افغان های مقیم ایران در اثر ابتلاء به ویروس کرونا جان خود را از دست داده اند که این امر مدام سیر صعودی را طی می کند. در این میان یکی از اصلی ترین علل مرگ افغان های مبتلا به کرونا در ایران، عدم پذیرش آنان از طرف برخی از بیمارستان ها بوده است. واقعیت این است که سیاست های نژاد پرستانه و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی تأثیرات خود را بر بسیاری از بخش های ارگان های دولتی و غیر دولتی گذاشته که وجود تصمیمات چندگانه بیمارستان های ایران برای مداوای مهاجران افغان مبتلا به بیماری کرونا گواهی بر آن است. بر اساس گزارش های منتشر شده، در حالی که برخی از بیمارستان ها از قبول مهاجران افغانستان مبتلا به بیماری ویروس کرونا خودداری می کنند و مانع از ورود آنان به بیمارستان ها می شوند، برخی دیگر از بیمارستان ها با گرفتن هزینه های سرسام آور که چند برابر یک فرد ایرانی می باشد، آنان را می پذیرند. در یکی از گزارشات منتشر شده در این رابطه به دو شهر قم و شهریار به عنوان شهرهایی که به مهاجران افغان مبتلا به این بیماری خدمات درمانی ارائه می دهند، اشاره شده است.

یکی از مهاجران افغان که حیدر شریفی نام دارد و مبتلا به ویروس کرونا شده، تجربه یک هفته بستری شدن خود در بیمارستان دولتی "امام سجاد" شهریار را چنین توضیح میدهد: "این بستری شدن هزینه ای داشت شش برابر آن چه از یک شهروند ایرانی گرفته می شود." همچنین یکی دیگر از مهاجران افغان به سایت (ایران وایر) چنین می گوید: "یکی از اعضای میانسال خانواده ما در تهران به بیماری ویروس کرونا مبتلا شد و در مراجعه به بیمارستان، مسؤلان گفتند به خاطر مهاجر بودن حاضر به پذیرش او نیستند." همچنین در سایت "دویچه وله" به موارد دیگری که به دلیل عدم پذیرش بیمارستان ها، مهاجران افغان مبتلا به ویروس کرونا جان خود را از دست دادند اشاره شده که قلب هر انسان شریف و آزاده ای را آکنده از خشم و نفرت می کند.

پس از گذشت یک ماه از شیوع ویروس کرونا و پس از پیشنهاد علیرضا آشناگر نماینده رژیم از سمنان در مجلس مبنی بر معالجه رایگان مهاجران افغان، رژیم تبهکار جمهوری اسلامی که در دوران حاکمیت سیاه خود جز غارت و چپاول و سرکوب و شکنجه و اعدام چیز دیگری برای مردم نداشته، در ادامه سیاست های عوامفریبانه اش، بالاخره از زبان حسن روحانی رئیس جمهور مدعی شد که با مداوای رایگان مهاجران افغان موافقت شده است. اما شواهد و شرایط مرگبار و دردناک مهاجران افغان مبتلا به ویروس کرونا گویای واقعیاتی دیگر در رژیم سفاک کنونی می باشد و بیانگر آن است که چنان وعده هائی در عمل به اجراء در نمی آیند. همان طور که خامنه ای جلاد قول پذیرش کودکان افغانستان را در مدارس ایران داده بود، اما امروز شاهد آن هستیم که این کودکان به جای نشستن در پشت میزهای مدرسه به کودکان کار در ایران پیوسته اند. با توجه به چنین سیاست های نژاد پرستانه رژیم فاسد جمهوری اسلامی است که هر روز شاهد بازگشت تعداد زیادی از مهاجران افغان به خاطر ترس و وحشت از مرگ به کشور خودشان هستیم.

یکی از دانشجویان افغان مقیم ایران که مایل به فاش کردن نام خود نبود به سایت "دویچه وله" در این باره چنین می گوید: "یکی از دلایل رفتن مهاجران افغان به کشورشان این است که این جا به هیچ وجه مداوا نمی شوند و به همین خاطر به کشور خود می روند." در ادامه نامبرده اضافه می کند که سه روز پیش یکی از افغان های مقیم ایران علایم بیماری ویروس کرونا را داشت و او را به شفاخانه "امام خمینی" که یکی از شفاخانه های مجهز در ایران است، برای آزمایش بردند. اما مسؤلان این شفاخانه هیچ توجهی نکردند و او را نپذیرفتند. وی اضافه کرده است که در ادامه به تمامی شفاخانه ها و مراکزی که بیماران مبتلا به ویروس کرونا آزمایش می شوند مراجعه کرده اند، اما با عدم پذیرش تمام بیمارستان های مزبور مواجه گردیده اند.

واقعیت این است که طی سالیان طولانی حکومت ننگین جمهوری اسلامی مهاجران افغان نه فقط در عرصه شیوع بیماری کرونا، بلکه در عرصه های مختلف دیگر دچار مشکلات و محرومیت ها و تحقیرات فراوانی بوده و هستند. یک روز شاهد در قفس انداختن و نمایش تحقیر آمیز آنان در معابر عمومی هستیم و روز دیگر (در شهریور [سنبله] ۱۳۹۵) با ادعای ارتقاء امنیت عمومی، رفت و آمد برای افغان های مقیم ایران در مناطقی ممنوع اعلام شده و حتی در برخی از شهرها آنان اجاره خرید از بعضی فروشگاه ها را ندارند. نشریات جمهوری اسلامی همچنین با منتسب کردن آنان به عامل اصلی دزدی و فروش مواد مخدر، همواره سعی کرده اند که افکار عمومی را علیه آن ها تحریک و بسیج کنند. شدت و گستردگی این تبلیغات نژاد پرستانه تا آن جاست که چند سال پیش در روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در نمایش دولتی، با شعار ضد کارگری و مضموز کننده (کار فرما حیا کن - افغانی رو رها کن) روبه رو می شویم که با این مفهوم که کارفرما ها فقط باید کارگر ایرانی استخدام کنند، سعی در ایجاد و تشدید تفرقه بین کارگران را داشتند. این در حالی است که اکثریت مهاجران افغانستان را کارگران تشکیل می دهند که زندگی شان به کاری وابسته

است که انجام می دهند و در شرایط بیگاری محض کار می کنند. چنین تبلیغات نژاد پرستانه و ضد افغانستان گاهی برخی از مردم نا آگاه را فریب داده و به مقابله با مهاجران افغان می کشاند ، چنانچه گهگاهی در گوشه و کنار کشور شاهد برخوردهای شدیداً ضد مردمی علیه کارگران و مهاجران افغان هستیم.

از طرف دیگر ، سال هاست که سرمایه داران خونخوار با استثمار هرچه بیشتر کارگران و زحمتکشان افغان و بیکار کردن کارگران ایرانی برای سود آوری بیشتر خود، در جهت ایجاد تفرقه و نفاق در بین کارگران ایرانی و افغان حرکت می کنند. در همین حال دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی نیز می کوشد نابسامانی های موجود در جامعه را به گردن افغان ها و کارگران افغان در ایران بیندازند تا با به وجود آوردن تفرقه و نفاق در بین کارگران ایرانی با کارگران افغان و مردم تحت ستم ایران با مردم ستمدیده افغانستان سیاست های سرکوبگرانه و استثمارگرانه خود را پیش ببرد. واقعیت این است که کارگران افغان و کارگران ایرانی در یک صف مشترک مبارزاتی با هم در مقابل استثمارگران خود قرار دارند. بنابراین هدف برخوردهای حيله گرانه سرمایه داران و رژیم حامی آنان، در امان نگه داشتن خود در برابر آماج خشم کارگران چه ایرانی و چه از افغانستان می باشد.

با توجه به ماهیت ضد کارگری رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی اقدامات نژاد پرستانه، جزئی جدائی ناپذیر از سیاست های این رژیم می باشد. بنابراین، این رژیم نه می تواند و نه می خواهد کوچکترین حقوق و نیازهای اقتصادی - اجتماعی و حقوق دموکراتیک و انسانی مهاجران افغان را تأمین کند. در نتیجه، فقط با مبارزه جهت از بین بردن سیاست های غارتگرانه - استثمارگرانه - جنگ طلبانه - سوجدویانه جمهوری اسلامی است که می توان از شر این رژیم سرکوبگر خلاص شد و به سوی جامعه ای نوین حرکت نمود، جامعه ای که در آن ستم نژادی و ملی و تحقیر زحمتکشان افغان در آن جایی نداشته باشد. جامعه ای که آزادی و دموکراسی را برای تمام افراد جامعه به وجود آورد و فرهنگی نو را بر قرار سازد. جامعه ای که اساس آن را کار می سازد و هر کس بر مبنای کار، استعداد، لیاقت و خدمت از نعمات اجتماعی بهره مند می گردد. در چنین جامعه ای، رشد اقتصادی آن نیازهای مادی و فرهنگی همه افراد جامعه را فراهم می سازد و کارگران و زحمتکشان از بیکاری و سرکوب کارفرمایان در امان خواهند بود. اما برای رسیدن به چنین شرایطی ضروری و لازم است که سلطه سرمایه داران نابود گردد و قدرت انقلابی کارگران قادر شود مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را ملغا و مالکیت اجتماعی را جایگزین آن نماید.

در یک جامعه سوسیالیستی، از سرمایه دارانی که صاحب کارخانه ها - معادن - زمین ها و غیره هستند خلع ید می گردد و این کارخانجات به صاحبان اصلی آنان یعنی کارگران و زحمتکشان برگردانده می شوند تا شرایط بلوغ انسانی - اقتصادی - و فرهنگی انسان ها فراهم شده و شرایط را برای محور استثمار انسان از انسان آماده نمایند. در چنین شرایطی، جامعه امکان می یابد انسانها را نه بر اساس ملیت ، بلکه بر اساس کار و نقششان در ارتقاء جامعه، بسنجد. سوسیالیسم، تنها راه نجات بشریت امروز می باشد.

اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۹

**پی نوشت:**

هنگامی که این نوشته به پایان رسیده بود، خبرگزاری ها از وقوع یک جنایت هولناک علیه پناهجویان افغان خبر دادند. در این مورد به لینک زیر مراجعه کنید:

<https://www.siahkal.com/index/right-col/IPFG-Koshtare-Panahjooyane-Afghanestani.pdf>

به نقل از: پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۵۰ ، اردیبهشت ماه [ثور] ۱۳۹۹